



معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



نرخ ارز واقعی در ایران

تهیه کنندگان:

پریسا مطرانلویی

فاطمه علیزاده آغاسمعیلی

ناظر و مشاور:

ابراهیم بهادرانی

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

اسفند ۱۴۰۲

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس
نمایید:

economic_research@tccim.ir

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

مقدمه

در بیش از یک سوم اقتصادهای جهان، نرخ ارز بر مبنای عرضه و تقاضا در بازار ارز تعیین می‌شود و اصولاً در کشورهایی با اقتصاد قوی، نرخ مبادله پول داخلی با ارزهای خارجی، تک‌نرخ بوده و اقدامات مقطعی بانک‌های مرکزی در این کشورها در قالب عرضه ارزهای خارجی (در زمان افزایش نرخ ارز) و خرید ارز (در زمان کاهش قیمت نرخ ارز) موجب تقویت ثبات نرخ در بازار ارز می‌شود. ثبات نرخ ارز، نیز موجب افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد، تسهیل سرمایه‌گذاری، کاهش تورم و تقویت رشد اقتصادی خواهد شد. اما در اقتصاد ایران، نرخ ارز مشمول قیمت‌گذاری‌های متعددی بوده است و در قالب نرخ‌های مختلف، قیمت‌گذاری شده است. علاوه بر قیمت‌گذاری دستوری و تعیین نرخ‌های متعدد، واقعی نبودن نرخ ارز و عدم لحاظ تحولات تورم در آن نیز از دیگر مسائل مربوط به این حوزه است.

آنچه در این میان حائز اهمیت است این است که اگرچه دولت در مقاطعی توانسته با قیمت‌گذاری دستوری و تعیین نرخ‌های چندگانه در کنار سیاست‌های مختلف همچون ممنوعیت واردات و ... تا حدودی مانع رشد شدید نرخ ارز شود، اما در سال‌هایی همچون ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و همچنین پس از آن در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، شاهد جهش‌های ارزی یکباره‌ای در اقتصاد بوده‌ایم. لذا موضوع امکان رها شدن فنر ارزی دولت در صورت وارد آمدن شوک‌های خارجی همچون تشدید تحریم‌ها، همواره مطرح است. در این نوشتار به بررسی وضعیت نرخ ارز بازار آزاد در کشور و همچنین محاسبه میزان واقعی نرخ ارز در صورت عدم مداخله دولت در بازار ارز پرداخته شده است.

ضرورت واقعی شدن نرخ ارز

هدف از تهیه این گزارش، محاسبه نرخ واقعی ارز می‌باشد. بنابراین لازم است در ابتدا تعریف مشخصی از "نرخ واقعی ارز" بر اساس هدف، ارائه شود. در واقع نرخ واقعی ارز به معنای نرخ حاصل از تعادل نیروهای بازار، بدون مداخله دولت است که در برگیرنده اثرات تمام شوک‌ها و نوسانات بر اقتصاد نیز می‌باشد.

رویکرد اصلی این دیدگاه بر این اساس واقع شده است که دولت با هدف کنترل نرخ ارز در محدوده‌های هدف خود، از طریق مداخلات قیمتی در بازار و همچنین تعیین نرخ‌های مختلف برای اهداف مختلف سیاستی، در بازار ارز نرخ گذاری می‌نماید. آنچه در این بستر قابل توجه است، این است که اگرچه این سیاست‌ها به صورت مقطعی در تحقق هدف جلوگیری از رشد نرخ ارز مناسب بوده است، اما در مواقع بروز شوک‌های خارجی همچون تحریم‌ها با توجه به اینکه دولت منابع کافی برای مدیریت بازار در اختیار ندارد، موجب بروز جهش‌های ناگهانی در نرخ ارز می‌شود. در صورتی که اگر مطابق با تئوری اقتصاد، همه ساله نرخ ارز به تناسب تفاوت تورم داخلی و خارجی تعدیل شود و این روند نرخ واقعی (در بردارنده اثرات تورم و شوک‌های خارجی) حفظ شود، از جهش‌های یکباره نرخ ارز جلوگیری خواهد شد که خود می‌تواند به مدیریت فضای انتظارات در کشور، کمک نماید.

با توجه به نقش خالص صادرات در رشد اقتصادی به ویژه در کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور و نظر به اینکه یکی از متغیرهای مهم اثرگذار بر خالص صادرات، نرخ ارز است، لازم است به تحولات نرخ ارز نگاه جامعی شود. واقعی نبودن نرخ ارز در ایران به همراه نوسانات شدید آن طی سال‌های اخیر در کنار محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و مشکلات موجود در فضای کسب و کار در زمینه تعدد در صدور بخشنامه‌ها با قوانین سختگیرانه در خصوص نرخ‌های چندگانه، بازگشت ارز حاصل از صادرات، تامین منشای ارز برای واردات و بسیاری از این مسائل موجب شده است حوزه صادرات در ایران با مشکلات زیادی روبرو باشد.

سیاست نظام چند نرخ ارز و تفاوت نرخ‌های موجود در بازار با نرخ واقعی ارز در ایران طی سال‌های اخیر موجب ناکارایی و عدم تخصیص بهینه منابع و ترویج فساد و رانت اقتصادی بسیاری شده است. بنابراین اهمیت و ضرورت حرکت به سمت اجرای سیاست واقعی‌سازی نرخ ارز و افزایش شفافیت در بازار ارز به ویژه در شرایط فعلی که بخش تولید و صادرات تحت تاثیر تحریم‌ها بسیار بیشتر از گذشته آسیب دیده است، بر کسی پوشیده نیست. با توجه به اینکه قیمت گذاری دستوری در حوزه نرخ ارز نیز با سیاست‌هایی همچون کنترل نرخ و فشردن فنر ارزی در کشور طی سالیان متمادی پیاده‌سازی شده است، لذا در این مطالعه به محاسبه نرخ واقعی در ایران پرداخته شده است.

مطالعه تجربیات سیاست‌گذاری ارزی طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد یکسان‌سازی نرخ ارز در مقاطع مختلفی در اولویت سیاست‌گذاری قرار گرفته است که در برخی موارد از جمله در سال ۱۳۷۲، به دلیل عدم رعایت برخی الزامات و نبود ثبات در تصمیم‌گیری‌ها، با شکست مواجه شده است. اما تجربه سال ۱۳۸۱ به عنوان یکی از ادوار موفق در یکسان‌سازی نرخ ارز مثال‌زدنی است. اتخاذ سیاست‌های مناسب پولی انقباضی با هدف کاهش تورم و انضباط مالی و کاهش کسری بودجه از جمله سیاست‌های پشتیبان در این دوره جهت حمایت از نظام ارزی تک نرخ به شمار می‌رود.

ساده‌سازی مقررات ارزی، کاهش بدهی‌های خارجی و اصلاح مدیریت آن، انباشت ذخایر ارزی و بهبود مدیریت ذخایر نیز سایر اقداماتی بوده است که در موفقیت این سیاست تاثیرگذار بوده است.

فقدان نظام تک‌نرخ ارز و وجود شکاف بین نرخ ارز رسمی و آزاد، ضمن افزایش مداخلات اختلال‌زای دولت در قالب تشدید کنترل‌ها و سختگیری‌ها به ویژه در حوزه قیمت‌گذاری کالاها، منجر به شکل‌گیری فساد و رانت‌های ماندگار در اقتصاد کشور شده است. بدیهی است افزایش تولید و صادرات و تخصیص بهینه منابع در گرو واقعی کردن نرخ ارز در کشور است که به تبع آن موجب جلوگیری از اتلاف وقت فعالان اقتصادی در صف دریافت ارز و فراهم نمودن شرایط آزادی عمل و بروز خلاقیت‌ها برای کارآفرینان و منطقی کردن حمایت‌های تعرفه‌ای می‌شود.

در این زمینه توجه به این نکته حائز اهمیت است که تلاش برای تثبیت دستوری نرخ ارز، بدون در اولویت قرار دادن کاهش تورم، موجب افزایش رانت، خروج بیشتر سرمایه و شوک مجدد ارزی می‌شود.

در برابر سیاست‌های حمایتی که همواره از قیمت‌گذاری دستوری دولت و کنترل نرخ ارز از طرق سیاستی مختلف حمایت می‌شود، نگرش دیگری نیز در خصوص آزادسازی نرخ در بازار و عدم مداخله دولت مطرح است. طرفداران نگرش دوم معتقدند راهکار اصلی برای حفظ ارزش پول ملی، از مسیر کنترل تورم و رشد اقتصادی محقق می‌گردد و تقویت تصنعی ریال در برابر دلار موجب حفظ ارزش پول ملی در بلندمدت نمی‌شود. بنابراین در بلندمدت نرخ ارز با نرخ تورم تعدیل می‌شود و بهترین روش برای برآورد محدوده نرخ مطلوب دلار، برابری قدرت خرید است. بنابراین مطابق با این دیدگاه، افزایش و تعدیل تدریجی نرخ ارز به تناسب تفاوت تورم داخلی و خارجی منجر به تقویت صادرات و تولید می‌گردد.

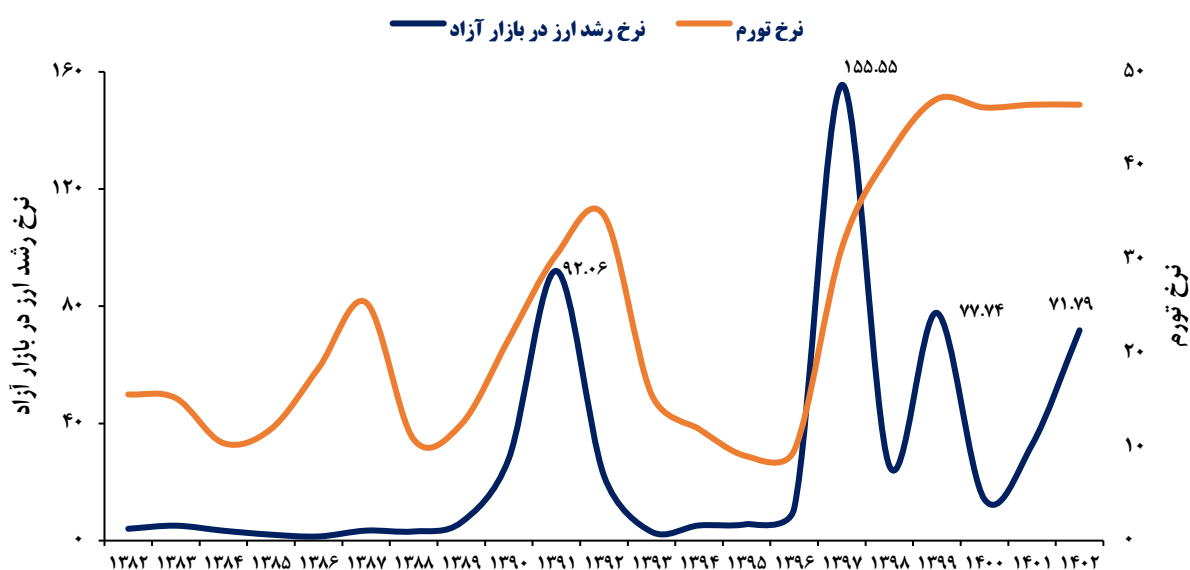
یکی از چالش‌های سیاست‌گذاری ارزی کشور، استمرار دخالت‌های کوتاه‌مدت دولت، در بلندمدت است. در واقع حتی در آزادترین اقتصادهای جهان نیز -حتی در شرایط نرمال اقتصادی- هیچگاه اقتصاد به دست سازوکار بازار رها نمی‌شود بلکه همواره درجه‌ای از نظارت توسط دولت‌ها اعمال می‌شود. بنابراین در اقتصادهای بحران زده‌ای همچون ایران که با شوک‌های مختلفی از جمله تحریم‌های خارجی نیز مواجه است، مداخله و کنترل تا حدودی پذیرفته است زیرا دخالت کوتاه مدت در بازار معمولاً با هدف رفع موانع و عبور از بحران‌ها صورت می‌پذیرد که عموماً به شکل تزریق منابع محدود به بازار صورت می‌گیرد اما ادامه این وضعیت و تبدیل آن به یک سیاست دائمی موجب می‌شود این سیاست تبدیل به مانع بزرگتری برای اقتصاد کشور شود که به دنبال خود نااطمینانی‌ها و نوسانات اقتصادی بسیاری به همراه خواهد داشت.

تأثیر نرخ تورم بر قیمت ارز

روند کلی قیمت‌ها در ایران نشان‌دهنده رشد مداوم سطح عمومی قیمت‌هاست که این شرایط تورمی، بسیاری از متغیرهای اقتصادی از جمله نرخ ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع زمانیکه سیاست‌گذاری بر این مبنا طرح ریزی شود که نرخ ارز در سطوحی پایین‌تر از نرخ تعادلی حفظ شود و بار سنگین نرخ‌های بالای تورم، نرخ‌های بالای رشد نقدینگی و نرخ‌های پایین رشد اقتصادی روی نرخ ارز تخلیه نشود، به اصطلاح «فتر ارزی» شکل می‌گیرد. در این شرایط، به محض بروز یک شوک (مثل اعمال تحریم) به اقتصاد، نرخ ارز با جهش مواجه می‌شود. در واقع آنچه در سال‌های ۱۳۹۰ و همچنین سال ۱۳۹۷ رخ داد جهش‌هایی از این دست بوده است.

مطابق با قانون برنامه توسعه، نظام ارزی کشور نظام شناور مدیریت شده است که در آن نرخ ارز با توجه به حفظ رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین خواهد شد. اما حائز اهمیت است که هرساله نرخ ارز به اندازه تفاوت تورم داخلی و خارجی تعدیل شود تا در برابر شوک‌های احتمالی، متحمل نوسانات شدید نشود. از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۹۰ نظام ارزی کشور تقریباً تک‌نرخ بوده است. به نحوی که طی این مدت سالیانه کمتر از ۵ درصد به نرخ ارز اضافه می‌گردید در حالی که مطابق با قانون می‌بایست به اندازه مابه‌التفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی به نرخ ارز اضافه شود؛ با این روال شاهد این هستیم که در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و پس از آن در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ به دلیل بروز شوک ناشی از تحریم‌ها، قیمت ارز در بازار جهش یافته است.

نمودار ۱- روند نرخ رشد ارز در بازار آزاد و نرخ تورم- درصد



*نرخ ارز بازار آزاد در زمان تهیه گزارش (اواسط اسفند ماه ۱۴۰۲) حدود ۶۰۰ هزار ریال بوده است.

محاسبه نرخ ارز واقعی

طبق تعریف ارائه شده در ابتدای گزارش، در این بخش به محاسبه نرخ واقعی ارز به معنای نرخ حاصل از تعادل نیروهای بازار، بدون مداخله دولت که در برگیرنده اثرات تمام شوک‌ها و نوسانات بر اقتصاد باشد مورد محاسبه قرار گرفته است. بنابراین نرخ واقعی ارز، نرخ ارزی است که اثرات تورم داخلی کشور و تورم خارجی از آن حذف شده باشد. در واقع اگر از شاخص قیمت سبد مصرفی خانوار برای حذف اثرات تورم از نرخ ارز استفاده شود، نرخ حقیقی ارز بیانگر روند تغییرات قیمت نسبی سبد کالاهای خارجی به داخلی است. یکی از دقیق‌ترین روش‌های محاسبه نرخ ارز واقعی، تعدیل نرخ ارز بر اساس مابه‌التفاوت تورم داخلی و خارجی است که در این مطالعه نیز از روش مذکور استفاده شده است.

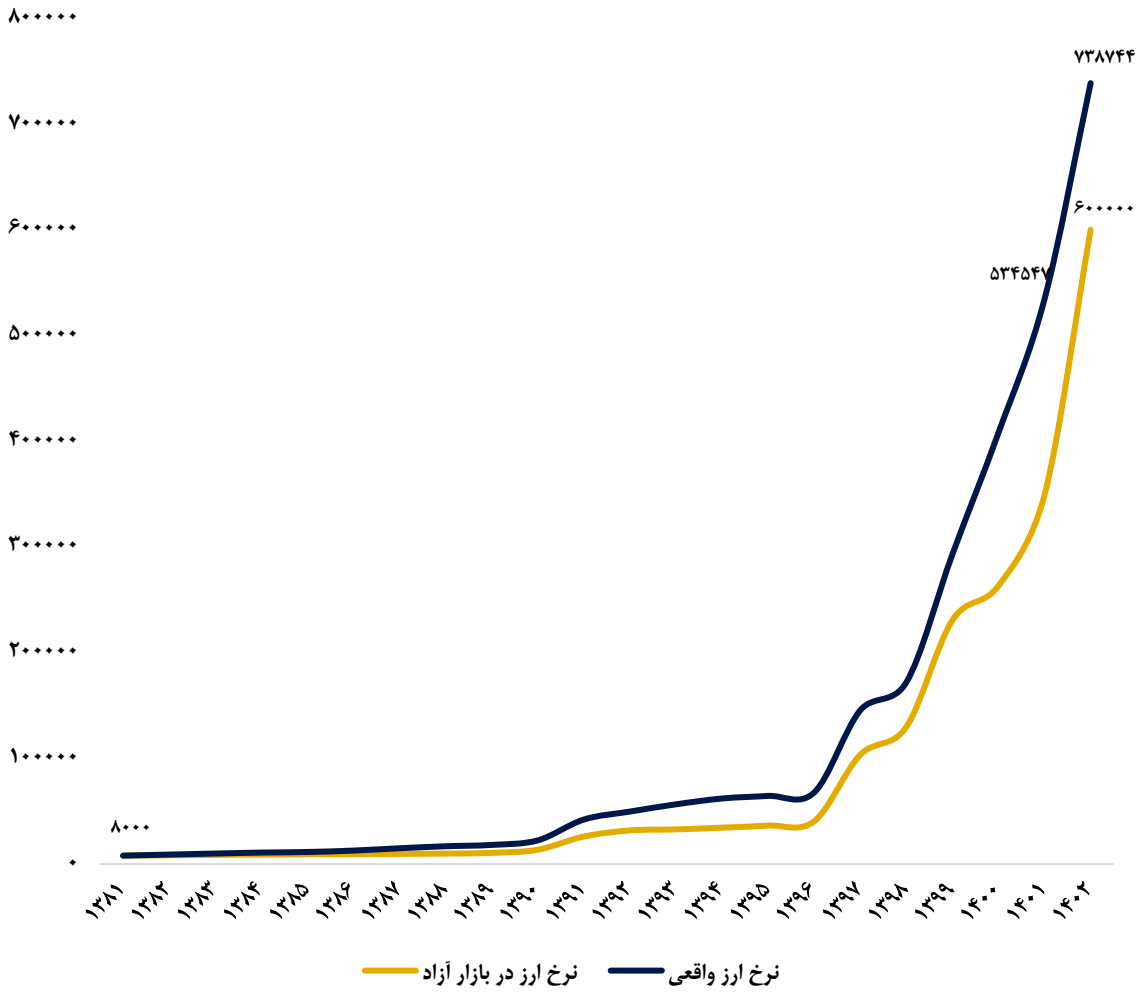
$$\text{نرخ ارز اسمی} = \text{نرخ ارز حقیقی} \times \frac{\text{تورم داخلی}}{\text{میانگین تورم طرف تجاری}}$$

در این روش، انتخاب سال مبنا از اهمیت راهبردی برخوردار است و انتخاب سال‌های مبنای متفاوت، نتایج متفاوتی به همراه دارد. بر اساس مقالات مختلف و همچنین نظر به اینکه در سال ۱۳۸۱ نرخ ارز در ایران تک‌نرخ شده است، این سال به‌عنوان سال پایه انتخاب شده است. پس از آن محاسبات برای تمامی سالها از طریق ضرایب تورم موزون (میانگین تورم ۱۰ کشور اول دارای بیشترین حجم واردات ایران به انضمام ضربی برای سایر کشورها) محاسبه شده است.

نکات مهم در محاسبه

- در این محاسبه برای متغیر نرخ تورم داخلی و همچنین تورم شرکای تجاری، از شاخص قیمت مصرف‌کننده بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول برای ۱۰ کشور عمده مبادی وارداتی ایران استفاده شده است.
 - طرف تجاری، شامل ۱۰ کشور عمده مبادی وارداتی ایران بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی می‌باشد که برای هر سال ضریب این کشورها در تجارت خارجی به صورت مجزا محاسبه شده است.
 - برای محاسبه میانگین موزون از وزن ۱۰ کشور اول مبادی وارداتی ایران بر اساس ضریب اهمیت هر کشور در واردات به ایران و همچنین گروه سایر کشورها استفاده شده است. این ضرایب برای هر سال به صورت مجزا محاسبه شده و جهت محاسبه میانگین موزون تورم، سال‌های میلادی و شمسی با یکدیگر تطبیق داده شده است.
 - رشد نرخ ارز، تابعی از انتظارات ناشی از تورم و عوامل غیراقتصادی (شوکه‌ها) می‌باشد. با توجه به نامشخص بودن ماهیت شوک‌ها در اقتصادها و همچنین با توجه به اینکه شوک‌ها همیشه در تورم سالیانه اثرگذار هستند، بنابراین فقط در سال‌هایی که تحریم‌ها اثر زیادی داشته است، از تفاوت نرخ ارز استفاده شده است. در واقع در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و همچنین سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ که تحریم‌ها به صورت جدی بر نرخ ارز اثرگذار بوده است برای محاسبه شوک‌های غیر اقتصادی وارده بر اقتصاد، از میانگین رشد نرخ ارز در بازار غیررسمی بجای تفاوت تورم، استفاده شده است.
- ضمن در نظر گرفتن نکات مذکور و همچنین در نظر گرفتن سال ۱۳۸۱ که در آن نظام ارزی در ایران تک‌نرخ شد، به‌عنوان سال پایه، نرخ ارز واقعی محاسبه گردیده است.

نمودار ۲- روند نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز واقعی- ریال



منبع: بانک مرکزی، گمرک و محاسبات کارشناسی

تحلیل و جمع‌بندی

با توجه به تک‌نرخی شدن نرخ ارز در ایران در سال ۱۳۸۱، این سال به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده و پس از آن محاسبات نرخ واقعی ارز از طریق تاثیر دادن اختلاف تورم داخلی و خارجی انجام شده است. با توجه به اینکه پس از تک‌نرخی شدن ارز در سال ۱۳۸۱، تا چند سال پس از آن، تا حدودی به اندازه اختلاف تورم داخلی و خارجی به نرخ ارز افزوده می‌شد، بنابراین اختلاف نرخ ارز بازار آزاد و نرخ واقعی ارز طی این سالها محدود بوده است. مطابق با نرخ‌های بدست آمده مشاهده می‌شود که در ابتدای دهه ۹۰، اختلاف نرخ ارز بازار آزاد و نرخ واقعی ارز حدود ۸۸۶ تومان بوده است اما به مرور با رشد نرخ ارز، این شکاف افزایش یافته به نحوی که در میانه دهه ۹۰، یعنی در سال ۱۳۹۵ به ۲۸۰۷ تومان رسیده است و با بازگشت مجدد تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ که با رشد ۱۵۵ درصدی نرخ ارز در بازار آزاد همراه بوده (نرخ ارز در بازار آزاد حدود ۱۰۳۷۷ تومان) است، نرخ واقعی ارز حدود ۱۴۵۰۰ محاسبه شده است و این شکاف به ۴۲۰۷ تومان رسیده است.

این روند تا جایی ادامه می‌یابد که در سال ۱۴۰۱ که نرخ ارز در بازار آزاد حدود ۳۵۰۰۰ تومان مبادله شده است در حالی که نرخ واقعی ارز در این سال حدود ۵۳۵۰۰ تومان برآورد شده است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که سال ۱۴۰۱ با رشد تورم جهانی به واسطه بحران‌های خارجی از جمله تنش در اوکراین نیز همراه بوده است.

بدین ترتیب با احتساب نرخ تورم ۴۷ درصدی برای ایران در سال ۲۰۲۳ (مطابق با آمار صندوق بین‌المللی پول) و نرخ ۶۰۰۰۰ تومانی ارز در بازار آزاد (تا زمان تهیه این گزارش یعنی اواسط اسفند ماه)، نرخ واقعی ارز در پایان سال ۱۴۰۲ با شکاف ۱۳۸۷۴ تومانی نسبت به بازار آزاد، حدود ۷۳۸۷۴ تومان برآورد می‌شود.

اختلاف نرخ ارز بازار آزاد و نرخ واقعی (مطابق با محاسبات)، محل اختلاف صاحب‌نظران است. برخی از دیدگاه مداخله دولت در شرایط بحرانی برای مدیریت بازار حمایت نموده و معتقد هستند با توجه شرایط تحریم در ایران، لازم است دولت از ابزارهای مختلف جهت مدیریت نرخ ارز در کشور جهت حمایت از تولید، استفاده نماید. در سوی دیگر، دیدگاه طرفداران بازار آزاد و عدم مداخله دولت وجود دارد که معتقدند این مداخلات، کارایی لازم را نداشته و در بلندمدت موجب آسیب‌پذیری اقتصاد از محل جهش‌های ارزی و رشد انتظارات قیمتی می‌شود.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که آزادترین اقتصادها نیز در شرایط بحرانی، حدودی از مداخلات در بازار را دارند، اما لازم است این مداخلات بصورت کوتاه‌مدت بوده و در بلندمدت از طریق بهبود ساختارها، به تدریج از طریق ترمیم نظام حمایتی، از نظام‌های چندنرخ‌ی و کنترل دستوری قیمت، فاصله گرفته شود. در ایران نیز در زمان آغاز تحریم‌ها با هدف حمایت از تولید، صادرات و همچنین اطمینان از واردات کالاهای اساسی، برخی مداخلات غیرقابل اجتناب بوده است اما با توجه به استمرار شرایط تحریم لازم است سیاست‌گذاری‌های دولت به سمت اصلاح سازوکارهای اقتصادی برای به حداقل رساندن مداخلات جهت یابد.



منابع:

- صندوق بین المللی پول
- گمرک جمهوری اسلامی ایران
- محاسبات کارشناسی